



## مفهوم «مساوات» در نهضت مشروطه

پدیدآورنده (ها): حشمتی، ماشاءالله

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه معرفت :: آبان ۱۳۸۴ - شماره ۹۵ (ISC)

صفحات: از ۸۹ تا ۱۰۰

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/27885>

تاریخ دائلود: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- نامه ای تاریخی و مهم درباره انقلاب مشروطیت
- از عدالتخانه تا مشروطه؛ راهها و بی راهه ها
- تحلیلی بر اختلاف دیدگاه علمای موافق و مخالف مشروطه
- جامعه شناسی تاریخی موقعیت و عملکرد اقلیت های مذهبی در شهر اصفهان دوره صفوی (مطالعه موردی: ارامنه جلفای اصفهان در عصر صفوی)
- ارامنه و انقلاب مشروطه
- اخلاق کسب و کار
- تاثیر تجارت بر توسعه هنر نقاشی جلفای اصفهان در عصر صفوی
- کاربرد تاریخی فرامین شاهان صفوی در باب ارامنه
- تحلیل خرده گفتمان های زنان در دوره مشروطیت
- معرفی کتاب: زوال نظام سیاسی- اداری عثمانی از دید سفرنامه نویسان عصر قاجار
- قانون، لیبرالیسم و خیر مشترک؛ بررسی مسئله ی خودآیینی لیبرال مدرن و چالش های آن
- نیچه و مشکل تاریخ

## عناوین مشابه

- بررسی تطبیقی مفهوم وطن در شعر شاعران مشروطه ایران و نهضت مصر
- بررسی تاریخی چگونگی تطور معنایی مفهوم «ملت» از فهم دینی به درک تجدیدی در آستانه نهضت مشروطه
- تشریح دلایل وقوع نهضت مشروطه، اهداف آن و دلایل ناکامی آن در دهه های بعد از آن
- نقش آیه الله میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی در نهضت مشروطه
- پیش درآمدی بر نهضت مشروطه (جنبش مردمی علیه حضور بلژیکی ها در ایران)
- بررسی ناسیونالیسم ایرانی و عربی و بازتاب آن در شعر دوران مشروطه ایران و نهضت عرب
- تاثیرات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نهضت مشروطه در لرستان (۱۲۸۵-۱۲۹۳ش)
- سنت و تجدد در نهضت مشروطه
- نقش و رویکرد آیت الله سیدمحمدکاظم یزدی طباطبایی در مواجهه با نهضت مشروطه
- قشقایی ها در سیاست معاصر ایران اوایل مشروطه تا ابتدای نهضت ملی شدن صنعت نفت ۱۲۸۴ - ۱۳۳۰ ش

«مساوات» همچون «آزادی» و «واژه‌ای زیبا، مبهم و کشدار است و قابلیت پذیرش معانی گوناگونی را دارد. واژه «مساوات» از واژه‌های مورد اختلاف در نهضت مشروطه بود. اصل هشتم متمم قانون اساسی بر مساوات حقوقی آحاد ملت تأکید داشت و تمام اتباع ایران، اعم از مسلمان و غیر مسلمان را دربر می‌گرفت. تساوی حقوق مطرح شده توسط مشروطه‌خواهان غرب‌زده بکلی با احکام شرع اسلام تعارض داشت. اگرچه اسلام افراد بشر را از لحاظ انسانی با هم برابر و در حقوق و تکالیف انسانی یکسان می‌داند، اما در اجرای احکام شرعی در جامعه، هر یک از مسلمان و غیرمسلمان از حقوق متفاوتی برخوردار است. بر این اساس، مجتهدان با آن به عنوان اصلی معارض با احکام شریعت مخالفت کردند.

ابهام موجود در این واژه موجب اختلاف شدیدی در آغاز مشروطیت گردید، به گونه‌ای که هنگام تصویب اصل هشتم متمم قانون اساسی مشروطه<sup>(۱)</sup> درباره تساوی حقوق همه گروه‌ها و فرق مذهبی، درگیری سختی بین جناح مذهبی حامی مشروطه و جناح مشروطه‌خواهان غرب‌زده درگرفت.

یکی از دلایل اساسی تحصن شیخ فضل‌الله نوری در حرم حضرت عبدالعظیم<sup>(ع)</sup> نیز همین موضوع بود<sup>(۲)</sup> که بهبهانی و عده زیادی از روحانیان به طور رسمی با آن مخالفت کردند.<sup>(۳)</sup>

مخبرالسلطنه در این باره می‌نویسد: «در سر ماده تساوی ملل متنوعه در حدود با مسلم، شش ماه رختخواب‌ها در صحن مجلس پهن شد و مردمی مجاور ماندند، بالاخره چاره در این جستند که در اجرای حدود بنویسند: اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی‌الحقوق خواهند بود. (اصل هشتم) قانون دولتی چه معنا دارد، معلوم نیست.»<sup>(۴)</sup>

بنابراین، با توجه به ابهام واژه «مساوات»، تبیین مفهوم مورد استفاده آن در اسلام و غرب ضروری به نظر می‌رسد.

# مفهوم «مساوات»

## در نهضت مشروطه

ماشاءالله حشمتی

## مفهوم «مساوات» در غرب

مارکسیست می‌گویند: این نوع برابری فقط می‌تواند با از دست رفتن دامنه‌دار آزادی به دست آید و از جنبه اقتصادی ناکارآمد خواهد بود؛ زیرا انگیزه‌های مادی کار و کوشش را به همراه ندارد. (۵) به نظر می‌رسد تعریف مساوات در کشورهای غربی، همان برداشت نخست از تعریف مزبور است و همان‌گونه که بر اهل تحقیق پوشیده نیست، هیچ یک از برداشت‌های مزبور جز شعار نبوده و هیچ توفیقی در مقام عمل نداشته است.

در ماده اول اعلامیه حقوق بشر غرب آمده است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند.» (۶) همچنین ماده ۷ می‌گوید: «همه در برابر قانون مساوی‌اند و حق دارند بدون تبعیض و باالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به طور مساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند.» (۷)

ایالات متحده آمریکا یکی از کشورهای غربی است که از حامیان حقوق بشر محسوب می‌شود و به بهانه دفاع از حقوق بشر، سالانه هزاران نفر انسان‌های بی‌گناه را به کام مرگ می‌فرستد، حکومت‌های مردمی را سرنگون می‌کند و هزاران نفر را بی‌خانمان می‌سازد، در حالی که تمام دنیا می‌دانند در کشورهایمانند آمریکا، حقوق سیاهان با سفیدپوستان در بسیاری از امور برابر نیست و حقوق آنان توسط طرفداران اختلاف طبقاتی و تبعیض نژادی پایمال می‌شود و تا کنون کسی توانایی پیاده کردن این ماده مهم حقوق بشر را نداشته است. هنگامی که در حقوق مدنی، حقوق سفید و سیاه به طور یکسان در نظر گرفته شد و به وسیله رئیس جمهوری (وقت) آمریکا، کندی، به کنگره آمریکا تسلیم گردید، توسط طرفداران اختلاف طبقاتی و تبعیض نژادی ترور شد.

## مساوات در اسلام

اصل «مساوات و برابری» در اسلام، از اصول مسلمی است که قرآن و پیشوایان اسلام در تعالیشان به آن اشاره کرده‌اند، بخصوص این مسئله زمانی در جامعه بشری مطرح شد که تبعیضات ناروا و زشتی بر جوامع انسانی حکم فرما بودند و عرب بر غیرعرب اظهار برتری می‌کرد و تفاوت در میان قبایل و طوایف از بدیهی‌ترین مسائل اجتماعی محسوب می‌شد.

اندیشمندان اسلامی، که نظریه «برابری» را پذیرفته‌اند، آن را تنها در چارچوب مقررات و سنت‌های اسلامی تفسیر می‌کنند. در اینجا، به بخشی از مساواتی که اسلام میان افراد بشر قایل است، اشاره می‌شود:

دیوید رابرتسون در تعریف این واژه می‌نویسد: مساوات طلبی اعتقادی است به اینکه همه اتباع یک کشور باید به طور دقیق، حقوق و امتیازات برابر داشته باشند. البته درباره اینکه این امر در عمل، چه معنایی دارد تعبیرها و تفسیرهای متضاد فراوانی وجود دارند و سه خط فکری عمده قابل تشخیص می‌باشند:

### ۱. مساوات در حقوق سیاسی

معنای مسلم مساوات طلبی این است که حقوق سیاسی باید برای انسان‌های بالغ یکسان باشد. از نظر دست‌یابی به قلمرو سیاسی آزادی حق رأی و برابری در پیشگاه قانون، هیچ معیار اجتماعی، مذهبی، قومی و مانند آن نباید اجازه یابد که نابرابری ایجاد کند.

این تعریف مساوات طلبی در حداقل آن است و در نظر، و معمولاً در عمل در بیشتر دموکراسی‌های غربی و بسیاری از حکومت‌های نوع دیگر (= غیر دموکراتیک) پذیرفته شده است.

### ۲. مساوات در فرصت‌های برابر

اینکه مساوات طلبی می‌تواند به معنای «فرصت برابر» نیز باشد، یعنی اینکه صرف نظر از موقعیت اجتماعی، که شخص در آن پا به جهان گذارده است، باید برای شکوفایی ساختن استعدادهای خویش و کسب علوم و فنون و مهارت‌ها با هر کس دیگری امکان برابر داشته باشد و آن‌گاه که شغلی درخواست می‌کند به درخواست او، بر پایه توانایی‌ها و قابلیت‌های علمی و فنی او رسیدگی شود و نه - مثلاً - بر پایه اینکه کجا درس خوانده یا پدر و مادر او کیستند.

لازمه ایجاد چنین شرایطی، دست کم، وجود نظام آموزشی و تأمین اجتماعی است که آموزش بدهد و امکانات لازم را در اختیار تنگ‌دستان بگذارد تا آنان در شرایط برابر با ثروتمندان رقابت کنند. با اینکه می‌توان گفت: هیچ کشور معاصری به این هدف دست نیافته است، کشورهای متعددی هستند که در این راه کوشش می‌کنند و البته همه کشورهای داعیه آن را دارند.

### ۳. مساوات در رفاه مادی

مساوات طلبی در جدی‌ترین شکل خود، نه فقط به فرصت‌های برابر، بلکه به برابری حقیقی در رفاه مادی و شاید وزن و اهمیت سیاسی نیاز دارد. چنین برابری تمام عیاری را بیشتر کشورها، حتی از لحاظ نظری، ضروری، بلکه ممکن هم نمی‌دانند.

در کشورهای کمونیستی، هدفی پذیرفته شده، اما هیچ‌گاه تحقق نیافته است. (طبقه جدید) بیشتر متفکران غیر

## ۱. مساوات در اصل خلقت و بندگی

اسلام همه افراد بشر را فرزندان یک پدر و مادر و به منزله یک خانواده می‌داند و همه را مخلوق خداوند یگانه و بندگان او می‌شمرد. بر این اساس، همه انسان‌ها یکسان خلق شده‌اند و از این نظر، با هم مساوی‌اند، و تنها کسانی که تقوای بیشتری داشته باشند نزد خداوند گرامی‌ترند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...﴾ (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم! ما شما را از یک پدر و مادر آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیایل مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزگارترین شماستند.

## ۲. مساوات در برابر تکالیف

در اسلام، همه مسلمانان از جمله خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در برابر حقوق اجتماعی و تکالیف الهی برابرند.<sup>(۸)</sup>

اکرم صلی الله علیه و آله را به عهده داشتند، باید از غنایم بیشتری بهره‌مند شوند؛ و عده‌ای دیگر معتقد بودند: به دلیل آنکه آنان تا آخرین لحظه دشمن را تعقیب کرده و امکان جمع‌آوری غنایم را پدید آورده‌اند، مستحق‌تر از دیگرانند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اینکه به مسئله خاتمه دهد، تمام غنایم را به عبدالله کعب سپرد، سپس تمام غنایم را بین سپاه اسلام به طور مساوی تقسیم نمود، حتی برای کسانی از مسلمانان که کشته شده بودند سهمی جدا در نظر گرفت و به بازماندگان آن‌ها پرداخت. این عمل باعث خشم سعد و قاص گردید. او به پیامبر اسلام گفت: آیا مرا که از اشراف بنی‌زهرام با این آبکش‌ها و باغبان‌های یثرب یکسان می‌بینید؟

پیامبر از شنیدن این سخن، سخت آزرده گردید و فرمود: هدف من از این جنگ حمایت از بیچارگان در برابر زورمندان است. من برای این برانگیخته شده‌ام که تمام تبعیضات و امتیازات موهوم را ریشه کن سازم و مساوات در حقوق را در میان



مردم جایگزین آن نمایم.<sup>(۹)</sup>

پیشوایان اسلام از بیت‌المال مسلمانان سهمی مساوی دیگران بر می‌داشتند و سعی می‌کردند در لباس و خوراک و مسکن، همچون افراد متوسط جامعه و گاه همچون ضعیفان زندگی کنند تا مساوات اسلامی را از این طریق متبلور سازند.

از «مساوات» در برابر تکالیف، در فقه اسلامی به اصل «اشتراک» تعبیر می‌شود که به عنوان یک اصل مسلم در فقه امامیه مطرح است. با استفاده از این اصل، هر حکمی که درباره یک نفر از مسلمانان طبق آیه و یا روایتی ثابت شود، به همه مسلمانان تعمیم داده می‌شود.

## ۳. مساوات در حقوق اجتماعی

بازتاب این مساوات به خوبی در سیره پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم‌السلام دیده می‌شود. آن‌ها هرگز امتیازی در حقوق اجتماعی برای خود نسبت به دیگران قایل نبودند.

نمونه تاریخی مساوات در اسلام را می‌توان در جنگ «بدر» جست‌وجو کرد. رزمندگان اسلام پس از آنکه بر کفار قریش پیروز شدند، نوبت به تقسیم غنایم رسید. میان رزمندگان اسلام اختلاف پیش آمد.

بعضی مدعی بودند که چون محافظت جان پیامبر

## ۴. مساوات در نیل به سعادت مادی و معنوی

در تعالیم اسلام آمده است که هر انسانی (زن یا مرد) می‌تواند با توجه به استعدادهایی که دارد، برای نیل به سعادت خویش قدم بردارد و در این راه، هیچ مانعی وجود ندارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ﴾ (نجم: ۳۹)؛ انسان‌ها در مقابل عملی که انجام می‌دهند مساوی‌اند و در شرایط مساوی، از نظر پاداش‌های الهی نیز یکسانند. قرآن می‌فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾ (مدثر: ۳۸)؛ هر کس در گرو اعمال خویش است.

## ۵. مساوات در برابر قانون

اسلام همهٔ انسان‌ها، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، را در برابر قانون مساوی می‌داند. با مراجعه به تاریخ اسلام، مکرر این مطلب دیده می‌شود که افرادی در برابر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام اقامهٔ دعا کردند (گاهی اقامه‌کنندهٔ دعا غیرمسلمان بود) و آن‌ها حاضر شدند در شرایط مساوی، در مقابل قانون تسلیم شوند.

برای نمونه، در امر قضاوت، باید قاضی آن‌قدر عدالت داشته باشد که وقتی دو نفر در دادگاه حاضر شدند هر دورا با یک چشم ببیند. در تاریخ اسلام، می‌خوانیم: هنگامی که امام علی علیه السلام در محکمهٔ قاضی برای دادرسی حاضر شد، قاضی او را با کنیه‌اش، که نشانه احترام بود، صدا زد، که این کار به شدت مورد اعتراض امام قرار گرفت. <sup>(۱۱)</sup>

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دربارهٔ این اصل، که همهٔ انسان‌ها در برابر قانون مساوی‌اند، آن جمله عالی و نورانی را در چهارده قرن پیش فرمود: «الْحَلْقُ أَمَامَ الْحَقِّ سَوَاءٌ»؛ <sup>(۱۱)</sup> مردم در برابر قانون مساوی‌اند.

و نیز فرمود: «النَّاسُ كُلُّهُمْ سَوَاءٌ كَأَنَّانِ الْمُسْطُ»؛ <sup>(۱۲)</sup> مردم همانند دندان‌های شانه با هم برابرند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «الْحَقُّ لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ وَ لَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ»؛ <sup>(۱۳)</sup> به نفع کسی علیه دیگری قانونی قرار داده نشده، مگر آنکه علیه او به نفع دیگری نظیر همان قانون قرار داده شده است.

امام علی علیه السلام طی چند سال حکومت و رهبری‌اش، نمونهٔ کاملی برای اجرای اصل مساوات در برابر قانون است. گفتار امام در عهدنامهٔ «مالک‌اشتر» و نیز رفتار آن مرد آزاده بهترین مبین این واقعیت است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در عهدنامهٔ «مالک‌اشتر» می‌فرماید: «النَّاسُ إِذَا أَحْرَقَ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ شَبِيهَهُ لَكَ فِي الْخَلْقِ»؛ <sup>(۱۴)</sup> و نیز می‌فرماید: «وَأَزِمَّ الْحَقُّ مَنْ لَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ وَ كُنْ فِي ذَلِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا وَاقِعًا ذَلِكَ مِنْ قَرَابَتِكَ وَ خَاصَّتِكَ حَيْثُ وَقَعَ وَ ابْتَغِ عَاقِبَتَهُ بِمَا يَتَقَلُّ عَلَيْكَ مِنْهُ فَإِنَّ مَغْبَةَ ذَلِكَ مَحْمُودَةٌ»؛ <sup>(۱۵)</sup> حق را بر هر کس لازم آمد ملازم باش و اجرا کن، چه برای نزدیک و چه برای دور، هرچند برای خاصان و خویشانت باشد. اگر بر تو گران است به عاقبت خوش این کار توجه کن.

در مواردی، پیامبر و حضرت علی علیه السلام حدود الهی را بر یاران نزدیک خود جاری کردند و بر این کار سرزنش شدند و افرادی از ایشان بریدند و به دیگران گرویدند، ولی با این وجود می‌فرمودند: اگر نزدیک‌ترین کسان ما، یعنی فاطمه علیها السلام و

حسنین علیهما السلام هم از حد تعدی کنند به سزای عمل خود خواهند رسید.

داستان رفتار حضرت علی علیه السلام با برادر خود عقیل، که تقاضای سهمی بیش از حق خود از بیت‌المال کرد، مشهور است. نیز کسانی مانند زبیر و طلحه به روی او شمشیر کشیدند؛ چرا که حاضر نشد بیش از حق آنان امتیازی بدهد و سهمی بیش از بیت‌المال و یا پستی که شایسته آن نیستند در اختیارشان بگذارد. و نیز چه بسیار افرادی که به معاویه پیوستند؛ چون برابری خودشان را در مقابل قانون عدل علی علیه السلام برناتافتند.

امام علی علیه السلام به کارگزار خویش می‌فرماید: میان مردم در اوقات و برخوردها، مساوات را رعایت کن تا بزرگان در میل تو به خویش طمع نکنند و ضعیفان از عدالت تو بر خویش مأیوس نگردند. <sup>(۱۶)</sup>

امام علی علیه السلام در عین تأکید بر یکسان بودن حقوق مردم، می‌فرمود: «نیکوکار و بدکار نزد تو منزلت یکسان نداشته باشند؛ چرا که این تساوی در برخورد با هر دو گروه، اهل احسان را به خوبی بی‌رغبت می‌سازد و اهل زشت‌کاری را بر بدکاریشان آموخته می‌کند. با هر گروهی آن‌گونه رفتار کن که خود را بر آن ملزم ساخته است.» <sup>(۱۷)</sup>

حضرت حقوق‌شهروندی اهل کتاب و معاندان را نیز محترم می‌شمارد؛ چرا که آنان هم‌نوع هستند و به حکومت عادل پناه آورده‌اند. آن‌گاه که حضرت می‌شوند بر زنی از اهل ذمه ستم رفته است، فریاد بر می‌آورد که اگر مسلمانی از غصه دق کند، ملامت نمی‌شود. <sup>(۱۸)</sup>

اما در عین حال، بر تأثیر عقاید فاسد در جایگاه اجتماعی آنان و لزوم به کارگیری شیوه‌ای خاص در برخورد با ایشان اشاره می‌کند: «فَلَمْ أَرَهُمْ أَهْلًا لِأَنَّ يَدُنَا لِيَشْرِكُهُمْ وَ لَا أَنْ يَقْتُصُوا وَ يَجْعَلُوا لِعَهْدِهِمْ»؛ <sup>(۱۹)</sup> پس نه ایشان را به خاطر مشرک بودنشان شایسته نزدیک شدن دیدم و نه به خاطر پیمان با خود شایسته دور شدن و جفا دیدم.

اسلام شاه و رعیت، غنی و فقیر، شریف و ضعیف، سیاه و سفید، زن و مرد، و پیر و جوان را در برابر قانون یکسان می‌بیند و در اجرای قانون هر نوع تبعیض و جانب‌داری را غلط و ظالمانه می‌داند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ نَعُرْضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا.» (نساء: ۱۳۵)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ

يَأْتِي سِطًا وَلَا يَجْرُ مِنْكُمْ شَيْءٌ قَوْمٌ عَلَىٰ إِلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾  
(مائده، ٨)

مملکت خیانت می‌ورزد و شایستگی دین اسلام را ندارد. سرانجام، مادهٔ پیشنهادی کمیسیون حقوق اساسی به این صورت در آمد: اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود. اصل هشتم این ضابطه نقضی بر اصالت تساوی کامل افراد وارد نمی‌کرد؛ چه به هر حال، حقوق اجتماعی اتباع را همان قانون دولتی منتشر می‌کند.<sup>(۲۰)</sup>

### تساوی حقوق مسلمان و غیرمسلمان در اسلام

با مراجعه به کتب فقهی اسلامی، می‌توان به این نتیجه رسید که میان مسلمان و غیرمسلمان از نظر حقوقی، تفاوت‌های فراوانی وجود دارند. مسلمان و غیرمسلمان از نظر قانون اجتماعی و برخورداری از حقوق شهروندی، در برابر قانون مساوی‌اند، ولی از لحاظ شرعی تفاوت‌هایی دارند که به برخی از آن‌ها اشاره شد.

بنابراین، اگر منظور از «مساوات»، برابری عامهٔ مردم در بهره‌مندی از حقوق مشترکشان باشد هرگز مخالفتی با موازین شرع نخواهد داشت، و اگر مقصود از «مساوات» برابری حقوق کافر و مسلمان در نکاح، حدود، قصاص دیه و ارث باشد، این بر خلاف موازین دینی است؛ زیرا بر اساس آموزه‌های مسلم اسلام، کافر و مسلمان حقوق برابری در این امور ندارند. برای مثال، ازدواج مرد اهل کتاب با زن مسلمان حرام است، اما ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب، آن هم به شکل موقت جایز است. کافر نمی‌تواند از مسلمان ارث ببرد، اما مسلمان از کافر ارث می‌برد. دیهٔ قتل یک مرد مسلمان هزار دینار است و دیهٔ قتل کافر دمی هشتصد درهم است. قتل کافر غیر اصلی (مرتد) واجب است، جنازه او احترام ندارد و اموالش به مسلمانان منتقل می‌شود و ده‌ها تفاوت دیگر که با مراجعه به کتب فقهی می‌توان به آنان دست یافت.



### فراماسونرها و شعار «مساوات»

مساوات از جمله شعارهای فراماسونرها محسوب می‌شد. سه واژهٔ «آزادی»، «برابری» و «برادری» با همان معنای غربی‌شان بر پیشانی روزنامه‌های طرفدار مشروطه همچون صور اسرافیل و مساوات نقش بسته بودند. نقش فراماسونرها در به انحراف کشاندن انقلاب مشروطه بر هیچ محقق پویشیده نیست.<sup>(۲۱)</sup>

محیط طباطبایی در مقالهٔ خود، موسوم به «مشروطهٔ ستم‌دیده» می‌نویسد: «در میان مشروطه‌طلبان اول، افراد سرشناسی بوده‌اند که پیش یا پس از اعلام مشروطیت، کم و بیش با میانی فراماسونی آشنایی یافته بودند یا با برخی افکار و عقاید اجتماعی کم و بیش سابقهٔ انس داشته‌اند...»<sup>(۲۲)</sup>

در درون لژهای ماسونی جهان این سه کلمه (آزادی، مساوات، برادری) با حروف درشت نقش شده است و هر عضوی که وارد محافل آن‌ها می‌شود اهمیت این شعار را به او تذکر می‌دهند، ولی حقیقت در زیر ماسک این سه کلمات، تحت

در دورهٔ مشروطه، آنچه در مورد «مساوات» و تعارض آن با اسلام در ایران مطرح بود، «مساوات حقوقی مسلمان و غیر مسلمان» بود.

### مساوات و برابری در نهضت مشروطیت

یکی از مهم‌ترین موارد اختلاف بین طرفداران مشروطهٔ مشروعه و غرب‌زدگان مشروطه طلب مقولهٔ «مساوات» بود.

آدمیت در این باره می‌نویسد: از پردرسترترین مسائل مورد اختلاف، مساوات حقوقی اجتماعی افراد بود. طرح متمم قانون اساسی اصل «مساوات حقوقی» را به طور کامل می‌شناخت و آن تمام اتباع ایران را دربر می‌گرفت. می‌دانید اصل «مساوات حقوقی مطلق» با احکام شرع تعارض داشت. جملگی ترقی خواهان و ملأیان روشن بین خواهان مساوات حقوقی کلی افراد بودند؛ حتی از قول این کسان آورده‌اند که: «آیین محدودی آیین آزادی و مساوات است، هر کسی خلاف آن معتقد باشد به



عنوان مقاصد «استاد اعظم» انجام می‌گیرد. (۲۳)

مرحوم محمود محمود می‌نویسد: «کلمات سه‌گانه موهوم که عبارت از "آزادی، برابری، برادری" می‌باشد، یک آتشی در سال ۱۷۸۹ در اروپا به وجود آورد که خشک و تر هر چه بود، سوخت و روح ملت فرانسه را طوری مسموم نمود که هنوز هم که هست، از اثرات آن سم مهلک خلاص نشده است و ملت فرانسه به حال طبیعی خود عود نکرده است. روشن‌کننده این آتش همان اعضای مجامع و محافل فراماسون بودند که بعدها رفته رفته شراره این آتش به تمام ممالک عالم سرایت نمود، دنیایی را به آتش بیداد خود سوزانید. امروز هم این سه کلمه دام بسیار خطرناکی است که تمام ملل مقتدر و غیر مقتدر را به وحشت انداخته است.

من بیش از این نمی‌خواهم در سر این موضوع معطل بشوم؛ فقط می‌گویم: همین آتش بعدها به خرمن هستی ایرانی افتاد و ملت ایران را سال‌ها گرفتار انواع مصایب و محن نموده است. پس از آن، دودمان آل عثمان را به خاکستر سیاه نشانید، روسیه یکصد و شصت میلیون نفوس را با شعله‌های سوزان خود غالفگیر کرده، هستی آن ملت غیر مجرب را به باد فنا داد و هنوز هم خاتمه پیدا نکرده است.

من این تذکر مختصر را به هموطنان خود می‌دهم که بعدها بیدار و هوشیار شده، گول این شیاطین شیاد را نخورند و به الفاظ فریب‌دهنده آن‌ها گوش ندهند و به کتاب‌های شیرین و عبارات نغز آن‌ها مفتون نشوند؛ مجدوب نویسنده‌های آن‌ها که دارای عناوین فاضلانه و عالمانه و غیره هستند، نگردند.

این الفاظ و این عبارات و این نویسنده‌های عالم و فاضل آن‌هایی هستند که دنیا را با کلمات شیرین و فریب‌دهنده اغفال نموده و آتش فتنه و انقلاب را در هر سرزمینی دامن زده و اسباب اسارت دایمی سکنه آن‌ها را فراهم می‌آورند. باور کنید از آن روزی که عنوان "فراماسون" در این مملکت پیدا شد و محفل سزی آن‌ها به اشاره لندن در این سرزمین تشکیل گردید، از همان روز بدبختی و سیه‌روزی ملت ایران شروع شده است. همین که ناراضی‌ها و ساده‌لوحان و طبقه شیاد و ماجراجو در اطراف این محفل گرد آمدند، از آن روز اساس حکومت ایران متزلزل گردید و امنیت از مملکت ایران رخت بست...» (۲۴)

در طول قرن هجدهم، تقریباً همه کسانی که به عنوان محصل، سیاستمدار، بازرگان و یا سیاح به اروپا رفته بودند، فراماسونر شدند. مهندس میرزا صالح شیرازی سومین فراماسونر ایرانی است که در سفرنامه‌اش درباره «حکومت پارلمانی» و «ترقیات جدید» بحث کرده است. طرفداران مشروطه بیشتر وابسته به لژ «گرانده اوریان»

فرانسه، معروف به لژ «بیداری ایران» بودند. نقش آنان در ایجاد بسیاری از جریان‌های عصر مشروطه و انحراف در مسیر قیام اصیل ملت بر ملا شده است.

در فهرست‌هایی که از اسامی اعضای لژ «بیداری» منتشر شده، نام افرادی که طرفدار مشروطه و شعارهای کذایی آن بودند، به چشم می‌خورد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: کمال‌الملک غفاری، حاج سید نصرالله تقی‌زاده، شیخ مرتضی نجم‌آبادی، شیخ ابراهیم زنجانی، دبیرالملک بدر، محمدعلی فروغی ذکاءالملک، مستشارالدوله، حاج میرزا آقا قرشی و حاج میرزا ابراهیم آقا و نیز چهره‌هایی همچون سردار اسعد بختیاری، یپریم خان، وثوق‌الدوله، حسینی‌قلی خان نواب، اردشیر جی، میرزا یانس ارمنی، ممتازالدوله تقی‌زاده و... (۲۵)

این افراد با مفاهیم غربی و فراماسونی «مساوات» آشنا بودند و تحت تعالیم لژهای ماسونی به شدت از آن دفاع می‌کردند.

### کاربرد واژه «مساوات»

واژه «مساوات» در معانی گوناگونی به کار می‌رود که مهم‌ترین مفهوم آن تساوی افراد، اعم از شاه و گدا، در برابر قانون و نیز تساوی افراد، اعم از مسلمان و کافر، در حقوق اجتماعی و سیاسی و مانند آن می‌باشد.

مفهومی که موجب اختلاف شدید بین مشروطه مشروعه خواهان و غرب‌زدگان شد، معنای دوم آن، یعنی «تساوی مسلمان و غیر مسلمان در حقوق اجتماعی و سیاسی و غیر آن» بود.

### مساوات از دیدگاه غرب‌زدگان مشروطه‌خواه

غرب‌زدگان از مساواتی دفاع می‌کردند که مفهوم ماسونی و غربی داشت و عبارت بود از: تساوی مسلمانان و کفار در کلیه حقوق، که به موجب آن، حذف کلیه تفاوت‌های حقوقی شرعی بین مسلمانان و کفار را دربر داشت، و حال آنکه شرع مقدس اسلام اختلافات زیادی در حقوق میان آن دو گذاشته است.

فرقه «اجتماعیون عامه»، که در شهرهای گوناگون از جمله تبریز و رشت شعبه داشت، بر «مساوات» به عنوان اصل مشروطه تأکید می‌کرد. در اعلامیه‌ای که این گروه در جواب اعلانی که علیه ارمنیان و کلیمیان بر دیوار کوچه‌های رشت چسبانیده بودند، آمده است: آرامنه و یهو: و غیره در مذهب، با ما مغایرت دارند، اما حدود ملتی و حقوق وطنی تحت حمایت قانون خواهند بود. امروز اشخاص کامل آن‌ها هستند که برادران



وطنی را در اتحاد و اتفاق باطنی دعوت می‌کنند و به قوه همان اتفاق و اتحاد، قانون را به دست خواهند آورد. در مراسمنامه «جمعیت مجاهدین» نیز آمده است: دفاع از شرف ملت و محافظت وطن از طریق مجلس ملی و مشروطیت و بسط عدالت و اجرای مساوات ممکن خواهد بود. (۲۶)

در کتاب **اصول دموکراسی** به قلم یک نفر دموکرات (۱۳۲۸ هـ.ق) نیز که لایحه‌ای است در دفاع از فرقه «دموکرات» ایران، بر تساوی همه افراد ملت در مقابل قانون بدون فرق نژاد، مذهب و ملیت به عنوان یکی از اصول عدالت تأکید شده است. نویسنده اساس مسلک دموکرات را موافق با روح مساوات اسلامی می‌داند. (۲۷)

مساوات حقوقی و اجتماعی در آثار رسول زاده از بنیانگذاران فرقه «دموکرات» به چشم می‌خورد. (۲۸)

رسول زاده بنیان اصلی دموکراسی را آزادی و مساوات و حاکمیت ملی می‌داند و می‌نویسد: از نظر حقوق، جملگی اتباع حق مساوی دارند. پس طرفداران حقوق طبیعی در آن معنا فرورفته‌اند و اندیشه مساوی بودن آدمیان را در طبیعت اعلام کرده‌اند. (۲۹)

غرب‌زدگان - به اصطلاح - روشن فکر مشروطه خواه با شعار «مساوات و برابری»، که همان شعار فراماسونرها بود، به جنگ مشروطه مشروعه خواهان آمدند و از مفهوم «مساوات» همان معنایی را که فراماسونرها از آن اراده می‌کردند، می‌ورزیدند و بسر آن نیز اصرار می‌ورزیدند.

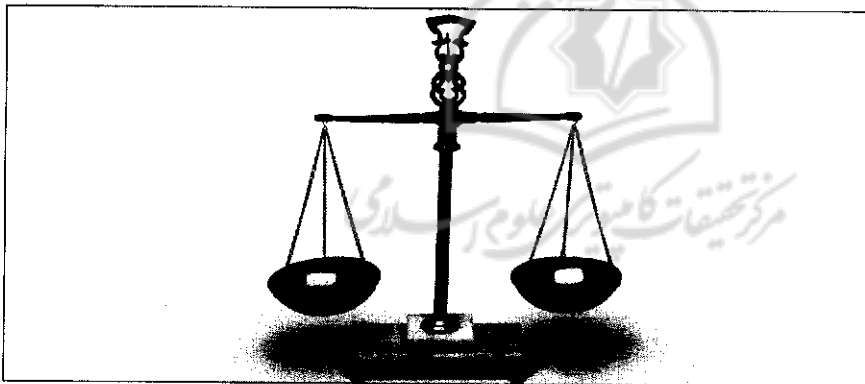
آدمیت می‌نویسد: فکر «مساوات از نظر حقوق اسلامی بین افراد مسلمان و غیرمسلمان» را مستشارالدوله برای اولین بار مطرح و همچنین به تساوی شاه و گدا تصریح کرد. (۳۰) وی در رساله یک کلمه اجرای احکام در حق همه کس و به طریق مساوات را به عنوان یکی از «اصول کبیره اساسیه» عنوان کرد. (۳۱)

میرزا آقاخان کرمانی «برابری مطلق» را از حقوق طبیعی و «عدم مساوات» را عرضی می‌داند. وی می‌گوید: در دوران زندگانی طبیعی، عدم مساوات در میان آدمیان وجود نداشت و همچنین فکر تجاوز و تعدی بر دیگری موجود نبود... اینکه قاعده کلیه در میان بنی نوع انسان مساوات است؛ یعنی بالذات افراد انسان باید مساوی باشند. (۳۲)

طالبوف تبریزی معتقد بود: باید آزادی با مساوات متحد

باشد. او در تعریف «مساوات» می‌نویسد: «مساوات» یعنی: برابری بی تفاوتی و بی امتیازی. وی از قول ارنست رنان می‌گوید: نظام طبیعی بشریت برابری و برادری است: برادریم برای اینکه همه اولاد آدمیم، برابریم چون امتیازی در تولید و مرگ نداریم، و آزادیم به جهت آنکه اقتضای طبیعت مانع نیافریده و شخصیت آدمی آزاد و تحت ریاست خود و از ریاست دیگران بیرون است. (۳۳)

ملکم خان نیز، که در رساله **صراط مستقیم** (۱۳۰۰ ه.ق) حقوق انسانی را بر چهار رکن «اطمینان، آزادی، مساوات و امتیاز فضلی» استوار می‌کند، در مورد «مساوات» می‌نویسد: مساوات بر دو نوع است: یکی مساوات نفوس و یکی مساوات در حدود و حقوق. مساوات در نفوس به این معناست که جمیع مردم از فقیر و غنی و عزیز و ذلیل، همگی فرزندان آدم و برادران یکدیگر و در مرتبه واحدند. می‌باید با یکدیگر از برای ازدیاد الفت و محبت در رتبه واحد، حرکت کنند. همچنین موافقت دین و آیین، که خدمت‌گزاری در نظام عالم است، مستحق اجر و جزایی می‌شود. همچنین مخالف دین و آیین مستوجب زجر و سزایی است، و از



برای هر نقصی و مخالفتی حق جمیع اشخاص از عالی و دانی، عالم و عامی، امیر و فقیر، شاه و رعیت به مساوات باشد، نه آنکه به ملاحظات و اغراض زجر و سزا را در حق اعزه و اغنیاء عفو اغماض کنند و اجر و جزا را درباره اذله و فقرا کسر و نقصان دهند. (۳۴)

ملکم خان در چهارچوب دینی قایل به مساوات بود و از طرح مساوات مسلمان و غیر مسلمان طفره می‌رفت. البته او موقعیت را برای طرح این موضوع مناسب نمی‌دانست.

آخوندزاده معتقد بود: اصل «مساوات»، که از اصول مطلق عدالت و حکومت قانون است، در شریعت مراعات نمی‌شود. وی نوشته است: اگر شریعت چشمه عدالت است باید اصل اول از کنتستسیون (قانون)، که مساوات در حقوق است... در محاکمات مجری بدارد، اما شریعت برای جنس مرد و زن حقوق مساوی قایل نیست. همین طور در محکومات شرعی، حقوق

مساوی قایل نیست. در محاکمات شرعی، حقوق غیر مسلمان ذمی مساوی فرد مسلم نیست. ... خداوند! این چه قانون است؟ این چه دیوان است که قاضی شرع شهادت ذمی را نمی پذیرد؟ و حال آنکه مساوات در محاکمات، اصل مطلق عدالت است. وی از زبان مردم مغرب زمین می نویسد: بت پرستان و مشرکان نیز در بشریت برادران ما هستند و به واسطه معاشرت اعتقاد نوع بشر، از حقوق حریت، محروم نمی تواند شد. (۳۵)

## مساوات از دیدگاه علمای مشروطه خواه

### الف. مرحوم نائینی

در کتاب *تنبيه الامه و تنزيه المله*، که در جهت تقویت نظام مشروطه نوشته است، در زمینه مساوات در نظام مشروطه آورده: «... اما مساوات تمام افراد ملت با شخص والی در جمیع حقوق و احکام و شدت اهتمام حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله را در استحکام این اساس سعادت امت، از سیره مقدسه حضرتش می توان فهمید.» (۳۶)

نائینی، در تبیین «مساوات» می نویسد: «مساوات احاد ملت با همدیگر و یا شخص والی در جمیع نوعیات است. در زیارت غدیریه نیز وقتی به حضرت علی علیه السلام خطاب می کنیم که *أنت القاسم بالسوية والعدل بالرعية* همین معنا را مورد نظر داریم.» (۳۷)

نائینی، که اصل «مساوات» را از اشرف قوانین مبارکه مأخوذه از سیاسات اسلامیة و مبنا و اساس عدالت و روح تمام قوانین می داند، آن را در یک عبارت کوتاه چنین معنا می کند: «هر حکمی که بر هر موضوع و عنوانی به طور قانونیت و بر وجه کلیت مترتب شده باشد، در مرحله اجرا، نسبت به مصادیق و افرادش بالسویه و بدون تفاوت مجری شود، جهات شخصیه و ابواب تخلف و رشوه گیری و دلخواهانه حکمرانی بکلی مسدود می باشد...» (۳۸)

نائینی برای تأیید نظر خود، به سیره عدالت پیشه و آزادی پرور و نیز مساوات امیرالمؤمنین علیه السلام استناد می کند و با نشان دادن گوشه هایی از مساوات آن حضرت، عالمان و فقیهان را به مطالعه سیره آن بزرگوار فرامی خواند. (۳۹)

او «مساوات» را اساس عدالت و روح تمام قوانین سیاسیة می شناسد، اما قایل است: قانون مساوات اهل مملکت فقط نسبت به قانونی موضوعه برای ضبط اعمال متصدیان است، نه رفع امتیاز کلی فی ما بین آنان. (۴۰)

وی در انتقاد به نوری می نویسد: اما مساوات در قوا و حقوق و سایر نوعیات را به صورت مساوات مسلمانان با اهل ذمه در ابواب توارث و تناکح و قصاص و دیاتش در آوردند و بلکه

مساوات اصناف مکلفان مانند بالغ و نابالغ و... از آنچه اختلاف آنها منشأ اختلاف تکالیف و احکام و به داستان مشروطیت و استبداد از فلک اطلس ابعث است اهمه مقتضیاتش شمرده اند. (۴۱)

آنچه از «مساوات» مد نظر نائینی است «مساوات در حدود دینی و مطابق با قوانین شریعت» است، و حال آنکه مساوات حقوقی مسلمانان با غیرمسلمانان از اهمه مقتضیات حکومت مشروطه است و نزدیکی تام و تمامی با داستان مشروطیت دارد و این مطلبی است که نائینی از آن غفلت کرده است.

### ب. ملا عبدالرسول کاشانی

مانند بسیاری از علمایی که در تأیید مشروطیت رساله نوشتند، او عقیده دارد: تمام اصول مشروطیت از آیین اسلام اخذ شده است؛ از جمله، او اصول مشروطیت را تساوی در محاکمات می داند. از دیدگاه او، مقصود از «مساوات» چیزی بیش از این نیست که شاه و گدا، وضع و شریف، عالم و جاهل، و فقیر و غنی باید به طور مساوی محاکمه شوند و حاکم میان آنان تفاوت نگذارد. (۴۲)

نظر کاشانی در این باره همانند رأی نوری و نائینی است؛ او نیز قایل به مساوات اسلامی با همان تعاریف فقهی است و تساوی حقوق بین مسلمان و غیرمسلمان نمی بیند. وی تفاوت مسلمان و غیرمسلمان را در عدم دخول در تحت قانون می داند؛ می نویسد: از جمله مقاصد و مهمات مشروطه طلبان مساوات و مؤاخات است. مساوات برابر بودن در حقوق است ... فرق گذاشتن ظلم است و استبداد با هیچ قانونی نمی سازد، خاصه با قانون محمّدی صلی الله علیه و آله ... بلی، فرق میان مرد و زن و بنده و آزاد گذاشته که فی الحقیقه، راجع به عدم کمال در آزادی و انسانیت است؛ چرا که کلیه زنان برای ضعف قوای آنها به کمال آزادی نمی رسند و بندگان نیز برای کفر اصلی آنها، که مناط در بندگی و راجع به عدم دخول در تحت قانون است، و به همین ملاحظه، میان کافر و مسلمان فرق گذارده اند. (۴۳)

### ج. محلاتی

او «مساوات» را به برابری مردم در اجرای حکم تفسیر می کند. از دیدگاه وی، مراد از «مساوات» در نظام مشروطه، همان است که در عبارت هشتم از زیارت حضرت علی علیه السلام آمده و مرحوم مجلسی آن را در کتاب *تحفة الزائر* نقل کرده است. عبارت مذکور چنین است: «الضعیف الذلیل عندک قوی عزیز حتی تأخذ له بحقه والقوی العزیز عندک ضعیف ذلیل حتی تأخذ منه الحق، والقرب والبعید عندک فی ذلک سواء.» محلاتی برای

بیان مقصود خود از مساوات در نظام مشروطه، می‌نویسد: «و به عبارتی اوفا و اوضح آنکه "مساوات" که در این دوره گفته می‌شود به این معناست که هر حکمی که بر هر عنوانی از عناوین شرعی یا عرفیه یار باشد، در اجرای آن حکم فرقی بین مصادیق آن گذارده نشود؛ مثلاً، زانی حد می‌خورد هر که باشد، سارق دستش بریده می‌شود هر که باشد، قاتل به قصاص می‌رسد هر که باشد... نه آنکه معنای "مساوات" چنان باشد که بعضی از جنود شیاطین تحریف کرده و با کمال وقاحت و بی‌شرمی مابین مردم نشر داده که جمیع عناوین مختلفه، که حکم آن‌ها مختلف است، از مابین خلق برداشته شود و همه اصناف خلق به یک چوب رانده شوند؛ مثلاً، حاضر و مسافر در حکم یکی باشند و هکذا؛ فاسق و عادل و مجتهد و عامی و غیره و غیره. پس از آن ایراد کرده که این خلاف قانون شرعی است؛ چرا که بنای شرع بر جمع مختلفات و تفریق مجتمعات است. قاتلهمُ اللهُ اَنیُّ یُؤفکون و لعنةُ اللهِ علی الکاذبین.» (۴۴)

اسلامی متفاوت است؛ زیرا لازمه مساوات آن است که مسلمانان با کفار در کلیه زمینیه‌های حقوقی و اجتماعی برابر باشند.

شیخ شهید فضل‌الله نوری که از رهبران مشروطه مشروعه است، در مباینت مساوات، به تفاوت‌های عدیده که در احکام اسلامی بین موضوعات مکلفان در عبادات و معاملات و تجارات و سیاسات از بالغ و غیربالغ و ممیز و غیرممیز و عاقل و مجنون و کافر و مسلم و ذمی و حربی و مانند آن‌هاست، اشاره می‌کند و می‌نویسد: با توجه به اختلافها، مساوات ممکن نیست، جز اینکه خیال این باشد که دکانی در مقابل شرع گشوده شود و احکام جدیدی تاسیس گردند. (۴۶)

شیخ در عصر مشروطه، مکرر به مساوات حمله برده و از آن به عنوان اصل «مؤذی» و یا «میشوم» یاد کرده است. (۴۷)

شیخ فضل‌الله می‌فرمود: احکام اسلامی تفاوت فراوانی بین موضوعات مکلفان در عبادات و معاملات و تجارات و



محلّاتی در اللّٰهالی المریوطه در وجوب مشروطه درباره اصل «مساوات» می‌نویسد: «اصل برابری مورد بحث بدین معناست که نسبت به زناکار حد و مجازات شرعی جاری گردد، دست دزد بریده شود و قاتل به کیفر شرعی خود برسد. همه افراد مردم بدون استثنا باید برای گناهی که مرتکب می‌شوند کیفر ببینند. در نظر قانون، همه برابرند؛ شاه با گدا، دانا با نادان، و توانا با ناتوان... در آغاز اسلام، چنین نظامی وجود داشت و اکنون، یعنی دوره انقلاب مشروطه همان نظام می‌خواهد زندگی دوباره یابد.» (۴۵)

سیاسات از مسلم و کافر و کافر ذمی و حربی و کافر اصلی و مرتد و مرتد ملی و مرتد فطری می‌گذارد. بنابراین، چگونه یک مسلمان می‌تواند از قانونی پی‌روی کند که همه مردم را برابر می‌خواند. (۴۸) و اینکه تمام ملل روی زمین باید در حقوق مساوی بودن، ذمی و مسلم، خونشان متکافی باشد و با همدیگر درآمیزند و به یکدیگر زن بدهند و زن بگیرند؟ (۴۹) ... با صراحت احکام شریعت، معارض است. (۵۰)

مؤلف ارشاد الغافل می‌نویسد: «ای برادر عزیز! اگر مقصودشان اجرای قانون الهی بود و فایده مشروطیت حفظ احکام اسلامی بود، چرا خواستند اساس او را بر مساوات و حریت قرار دهند که هر یک از این دو اصل مؤذی خراب نماینده رکن قویم قانون الهی است؛ زیرا قوام اسلام به عبودیت است، نه به آزادی، و بنای احکام آن به تفریق و جمع مختلفات است، نه بر مساوات.» (۵۱)

بر مبنای تفسیری که نویسنده ارشاد الغافل از «مساوات» و «حریت» دارد، لازمه مساوات آن است که «فرقة ضاله مصله و طایفه امامیه نهج واحد باشند.» (۵۲)

شیخ شهید در رساله حرمت مشروطه می نویسد: «یکی از موااد آن ضلالت نامه این است که افراد مملکت متساوی الحقوقند و در این طبع آخر، به این عبارت نوشته شد: اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی، متساوی الحقوق خواهند بود» و این کلمات مساوات شاع و ذاع حتی خرق الاسماع. و این یکی از ارکان مشروطه است که به اخلال (آن) مشروطه نمی ماند. نظرم است در وقت تصحیح در باب این ماده، یک نفر، که از اصول هیئت معدود بود، گفت به داعی که این ماده چنان اهمیت دارد که اگر این باشد و همه مواد را تغییر بدهند، دول خارجه ما را به مشروطه می شناسند و اگر این ماده نباشد لکن تمام مواد باقیه باشد، ما را به مشروطگی نخواهند شناخت. فدوی در جواب او گفتیم: فعلی الاسلام السلام و برخاستم و گفتم: حضرات جالسین! بدانید مملکت اسلامی مشروطه نخواهد شد؛ زیرا که محال است با اسلام حکم مساوات. حالا، ای برادر دینی! تأمل (کن) در احکام اسلامی که چه مقدار تفاوت گذاشت بین موضوعات مکلفان در عبادات و معاملات و تجارات و سیاسات، از بالغ و غیربالغ و ممیز و غیرممیز و عاقل و مجنون و صحیح و مریض و مختار و مضطر و راضی و مکره و اصیل و وکیل و ولی و بنده و آزاد و پدر و پسر و زن و شوهر و غنی و فقیر و عالم و جاهل و شاک و متقین و مقلد و مجتهد و سید و عام و معسر و موسر و مسلم و کافر و کافر ذمی و حربی و کافر اصلی و مرتد و مرتد ملی و فطری و غیرها مقالا یخفی علی الفقیه الماهر؛ مثلاً، کفار ذمی احکام خاصه دارند و در مناکحات آن‌ها با مسلمانان که جایز نیست نکاح آن‌ها با مسلمان را، و نکاح مسلمانان در کافرات بر وجه انقطاع جایز است دون دوام. و همچنین ارتداد احدی الزوجین موجب انفساخ است و اسلام احدی الزوجین نیز احکام خاصه مختلفه دارد. و نیز در باب موارث، کفر یکی از موانع ارث است و کافر از مسلم ارث نمی برد دون العکس. و نیز مرتد احکام خاصه مسلمه دارد؛ مثل انتقال مال به وارث بینونه زوجه و نجاست بدن و وجوب قتل، و همچنین در باب معاملات ربویتی، احکام مختلفه است؛ مثل معاملات ذمی در اراضی که اگر بخرد از مسلم باید خمس بدهد و نیز در جنایات و قصاص دیات احکام مختلفه است. ای برادر دینی! اسلامی که اینقدر تفاوت گذارده بین موضوعات مختلفه در احکام، چگونه می شود گفت که (معتقد به) مساوات است؟» (۵۳)

در ادامه، می نویسد: ای بی شرف و ای بی غیرت! ببین

صاحب شرع برای اینکه تو منتحل به اسلامی، برای تو شرف مقدر فرموده و امتیاز داده تو را و تو خودت از خودت سلب امتیاز می کنی و می گویی: من باید با مجوس و ارمنی و یهودی برادر و برابر باشم؟ الا لعنة الله علی من (لا) یعرف قدره. (۵۴)

اما با وجود مخالفت های شدید شیخ و طرفداران وی، این ماده از قانون با تهدید تصویب شد.

سید عبدالله بهبهانی، که بیشتر به مشروطه خواهان گرایش داشت، با این ماده از قانون، که با احکام اسلام و شریعت مقدس مخالفت صریح داشت، موافق نبود، ولی با تهدید به قتل از طرف آزادی خواهان، با صدای بلند موافقت خودش را با این ماده در مجلس اعلام کرد و سرانجام، به تصویب رسید.

مخبر همایون، از فعالان مشروطه، مدعی بود در جریان تصویب ماده بحث انگیز «تساوی حقوق مسلمانان و کفار» در قانون اساسی، سید عبدالله بهبهانی به این عنوان که اقلیت یهود باید جزیه بدهند و نباید در مورد انتخاب وکلا با مسلمانان دارای حقوق مساوی باشند، همواره مخالفت می کرد و تصویب آن ماده را به تأخیر می انداخت. سلطان محمود میرزا، که از تحصیل کردگان «دارالفنون» بود، در باغ مجلس انتظار تصویب این ماده از قانون را داشت، ولی چون مخالفت سید عبدالله بهبهانی به طول انجامید، وی پیش خدمت مجلس را فراخواند و گفت: برو، بی درنگ به سید بگو که اگر این ماده قانون، که همه آزادی خواهان انتظار آن را دارند امروز به تصویب نرسد، زنده نخواهی ماند! با تذکر پیش خدمت، سید عبدالله فریاد کشید: من مخالف نیستم و در نتیجه، قانون مذکور از تصویب گذشت. (۵۵)

مجلس در این اصل، تحت فشار دو نیرو قرار داشت: یکی نیروی قوی شیخ فضل الله بود که با دلایل انکارناپذیر و با استناد به آیات قرآن، با این اصل مخالفت می ورزید. شیخ می فرمود: «به حکم اسلام، باید ملاحظه نمود که در قانون الهی، هر که را با هر کسی مساوی داشته ما هم مساویشان بدانیم، و هر صنفی را مخالف با هر صنفی فرموده ما هم به اختلاف به آن‌ها رفتار کنیم تا آنکه در مفاسد دینی و دنیوی واقع نشویم.» (۵۶)

نیروی دیگر اقلیت های مذهبی و بیش از همه، زرتشتی ها بودند که سعی داشتند در تمام شئون با مسلمانان برابر باشند. در همان روزها، لایحه ای از جامعه زرتشتیان به مجلس داده شد که در جلسه روز یکشنبه چهارم جمادی الاول، تمام آن قرائت گردید. قسمتی از آن، چنین است: «... عمده و اصل مقصود ما این است که اگر انسانیم، در حفظ حقوق، در شماره ناس محسوب می شویم. تعیین مقامات انسانیت امکان ندارد،

نظر گرفته است. اما نائینی با ملاحظه عدم مساوات حقوقی افراد، که مدنظر نوری است، مساوات از نظر مشروطه را در قالب همان چهارچوب‌های فقهی در نظر دارد.



### نتیجه بحث

واژه «مساوات» دارای دو معنای عمده می‌باشد که عبارت از «تساوی شاه با رعیت در برابر قانون» و «تساوی حقوق مسلمان با کافر در احکام اجتماعی» است.

مفهوم مورد اختلاف روشن‌فکران مشروطه خواه غرب زده و مشروعه خواه عبارت بود از: تساوی حقوق مسلم با غیر مسلم در حقوق اجتماعی و سیاسی. شهید نوری به همین مفهوم از «مساوات» حمله می‌کرد، وگرنه غرب‌زدگان مشروطه خواه و علمای مشروطه خواه و نیز مشروعه خواهان در معنای اول آن هیچ اختلافی نداشتند.

علمای مشروطه خواه، که به تبیین مفهوم «مساوات» در اسلام پرداخته‌اند، به معنای اول آن اشاره کرده‌اند و گویا معنای دوم آن را مفروغ عنه گرفته و هیچ اختلافی در آن نمی‌دیدند، و حال آنکه شهید نوری با معنای دوم آن درگیر بود و اختلاف شدیدی با روشن‌فکران مشروطه خواه پیدا کرد و با استدلال به آیات و روایات، برداشت مفهوم دوم را از نظر اسلام مردود می‌شمرد و سخت به کسانی که به دفاع از این مفهوم برخاسته

مگر به حفظ شرف انسانیت. و پاس شرف انسانیت نشود، مگر به مساوات در حقوق انسانیت... به این عریضه چهارمین، که خلاصه عریاض قبیل است و عرض حال خویش را در حضور وکلای مجلس مقدس ختم می‌نماییم...» درباره این لایحه که نسبتاً مفصل است، گفت‌وگو بسیار شد، اما امام جمعه سخنان قابل تأملی گفت: «حاج امام جمعه: این‌ها ۱۳۰۰ سال است با ما بوده‌اند و حقوقی داشته‌اند و با آن‌ها رفتار شده. حالا ما حتی الامکان در صدد هستیم که حقوق آن‌ها را زیاد و محکم نماییم. نمی‌دانیم محرکان آن‌ها کیانند که این قسم اصرار می‌کنند؟!» (۵۷)

آقای ابوالحسنی در این زمینه می‌نویسد: نگرانی امام جمعه بی‌سبب نبود. امروزه که برخی از اسناد پشت پرده جریان‌های مشروطه منتشر شده، نقش عناصر مرموزی همچون اردشیر جی (یعنی سر اردشیر ریپورتر مشهور، مهتره فعال سازمان جاسوسی انگلیس آینتلیجنت سرویس در عصر قاجار و پهلوی) در هدایت این نوع جریان‌های بی‌ریشه و مصنوعی بر ملا شده است. اردشیر جی کسی است که به نوشته خود، رضاخان را برای انگلیسی‌ها کشف و برای اجرای نقش مورد نظر پرورش داده است. (۵۸)

شیخ فضل‌الله نوری در رساله حرمت مشروطه می‌نویسد: «یکی از مواد آن ضلالت‌نامه (قانون اساسی) این است که افراد مملکت متساوی الحقوقند. در این طبع آخر، به این عبارت نوشته شد: اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود و این کلمه مساوات یکی از ارکان مشروطه است که به اخلال آن مشروطه نمی‌ماند... بدانید! مملکت اسلامی مشروطه نخواهد شد؛ زیرا که محال است با اسلام حکم مساوات.» (۵۹)

نوری سپس به تفاوت حقوقی بین افراد در اسلام اشاره می‌کند: «احکام اسلامی چقدر تفاوت گذاشت بین موضوعات مکلفان در عبادات و معاملات و تجارت و سیاسات از بالغ و غیربالغ و ممیز و غیر ممیز و عاقل و مجنون و...» (۶۰)

### تفاوت دیدگاه مشروطه خواهان با مشروعه خواهان

در بررسی دو دیدگاه مرحوم نائینی و شهید فضل‌الله نوری، می‌توان گفت: این دو عالم دینی به عنوان رهبران مشروطه خواه و مشروعه خواه، در مورد مساوات افراد در حقوق اجتماعی اختلافی ندارند. آنچه این دو از «مساوات» در نظر دارند در قالب چهارچوب فقهی و همانند برداشت متعارف فقیهان از این موضوع است. تنها اختلاف در این است که نوری دولت مشروطه را ناقص حدودی می‌داند که شریعت برای مساوات در

بودند، حمله می‌کرد.

اختلاف میان علمای مشروطه خواه با مشروطه خواه در این بود که آنان در تعریف از «مساوات»، به مفهوم اول آن اشاره می‌کردند و مشروطه خواهان به معنای دوم آن، بی‌شک آن بزرگواران از مساوات همان مفهومی را درک می‌کردند که در اسلام مطرح است، و هیچ یک از علمای اسلام تاکنون قایل به مفهوم دوم از مساوات در اسلام نشده است؛ زیرا قبول آن از طرف علما، یعنی زیر پا گذاشتن بسیار از احکام الهی؛ احکامی که تفاوت‌های زیادی در حقوق اجتماعی و فرهنگی میان مسلمان و غیرمسلمان دارند.

### پی‌نوشت‌ها

- ۱- متن قانون مذکور بدین شرح است: «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی مساوی الحقوق خواهند بود» (قانون اساسی و متمم آن، تهران، چ اقبال، ۱۳۲۵ ش، ص ۲۲ / مصطفی رحیمی، قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، چ سزم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۲۲۴).
- ۲- علی ابوالحسنی منذر، دیده بان بیدار، تهران، عبرت، ۱۳۷۹، ص ۱۳۱.
- ۳- عبدالهادی حابری، نشیخ و مشروطیت ایران و نقش علمای مقیم نجف، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰، ص ۳۱۸.
- ۴- علی ابوالحسنی، پیشین، ص ۱۳۰، به نقل از: گزارش ایران، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.
- ۵- دیوید رابرتسون، فرهنگ سیاسی معاصر، ترجمه عزیز کیاوند، ص ۲۸۷.
- ۶- هوشنگ ناصرزاده، اعلامیه‌های حقوق بشر، تهران، ماجد، ۱۳۷۲، ص ۱۳.
- ۷- همان، ص ۱۴.
- ۸- تنها چند مورد است که پیامبر اسلام با دیگر مسلمانان تفاوت دارد که از ویژگی‌های پیامبر محسوب می‌شوند و در فقه اسلامی به خصایص انبی معروفند.
- ۹- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۵۱۴.
- ۱۰- «المنزل العلیا فی الاسلام» (کاشف الغطاء)، به نقل از ناصر مکارم شیرازی، «نگاهی اجمالی به مسئله مساوات در اسلام»، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۲۷، بهمن ۱۳۷۰، ص ۵۰.
- ۱۱- زین‌العابدین قربانی، اسلام و حقوق بشر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۶۷.
- ۱۲- جورج جرداق، الامام علی صوت العدالة الانسانیة، بیروت، دار مکتبة الحیة، ۱۹۷۰، ج ۱، ص ۱۴۵.
- ۱۳- نهج البلاغه، شرح محمد عبده، ج ۲، ص ۲۲۳.
- ۱۴- نهج البلاغه، نامه ۵۳.
- ۱۵- همان.
- ۱۶- نهج البلاغه، شرح علینقی فیض الاسلام، نامه ۲۷.
- ۱۷- همان، نامه ۵۳.
- ۱۸- همان، خطبه ۲۳.
- ۱۹- همان، نامه ۱۹.
- ۲۰- فریدون آدمیت، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطه ایران، چ دوم، تهران، پیام، ۱۳۵۶، ص ۱۰۷.

- ۲۱- اسماعیل رائین، فراموشخانه در فراموشی در ایران، ج ۲، ص ۱۴۹.
- ۲۲- همان، به نقل از: محله تهران مصور، ش ۹۶۳ (سال ۱۳۳۰)، ص ۱۳.
- ۲۳- همان، ص ۱۴۹.
- ۲۴- همان، ص ۱۵۰.
- ۲۵- همان، ص ۴۹.
- ۲۶- فریدون آدمیت، پیشین، ص ۴۴.
- ۲۷- همو، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، پیام، ۱۳۵۵، ص ۳۰۶-۳۰۸.
- ۲۸- همان، ص ۳۸۵.
- ۲۹- همو، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطه ایران، ص ۱۷۱-۱۷۲.
- ۳۰- همان، ص ۱۸۶.
- ۳۱- همان، ص ۱۸۹.
- ۳۲- همو، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، چ دوم، تهران، پیام، ۱۳۵۵، ص ۱۱۰.
- ۳۳- همو، اندیشه‌های طالبوف تبریزی، چ دوم، تهران، دماوند، ۱۳۶۳، ص ۳۲-۳۳.
- ۳۴- همو، فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطه ایران، ص ۲۱۶-۲۱۷.
- ۳۵- همو، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، ص ۱۵۶-۱۵۷.
- ۳۶- محمدحسن نائینی، تشبیه الامه و تنزیه المله (با حکومت از نظر اسلام)، چ نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۸، ص ۵۱.
- ۳۷- همان، ص ۹۸.
- ۳۸- همان، ص ۹۹.
- ۳۹- همان، ص ۵۱.
- ۴۰- محمدحسین نائینی، پیشین، ص ۷۱.
- ۴۱- همان، ص ۳۶.
- ۴۲- غلامحسین زرگری‌نژاد، رسایل مشروطه، تهران، کویر، ۱۳۷۷، ص ۵۸۲.
- ۴۳- همان.
- ۴۴- همان.
- ۴۵- همان، ص ۹۸ و ۵۱۹.
- ۴۶- محمد ترکمان، رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات و... شیخ فضل‌الله نوری، ص ۱۰۸.
- ۴۷- غلامحسین زرگری‌نژاد، پیشین، ص ۱۷۶.
- ۴۸- محمد ترکمان، پیشین، ص ۱۰۷.
- ۴۹- شیخ فضل‌الله نوری، نوايح، ص ۲۸.
- ۵۰- احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ص ۳۱۵-۳۱۶.
- ۵۱- غلامحسین زرگری‌نژاد، پیشین، ص ۱۷۷.
- ۵۲- همان، ص ۱۷۸.
- ۵۳- همان، ص ۱۶۰.
- ۵۴- همان، ص ۱۶۱.
- ۵۵- علی ابوالحسنی منذر، آخرین آواز قر، ص ۷۳، به نقل از: ابوالحسن بزرگ امید (مخبر همایون) مظفرالدین شاه و مشروطیت، مستدرج در ارمغان، ش ۳۲ (سال ۱۳۴۲)، ص ۱۰۴-۱۰۷.
- ۵۶- غلامحسین زرگری‌نژاد، پیشین، ص ۱۷۷.
- ۵۷- علی ابوالحسنی، پیشین، ص ۱۳۱.
- ۵۸- همان.
- ۵۹- غلامحسین زرگری‌نژاد، پیشین، ص ۱۵۹-۱۶۰.
- ۶۰- همان، ص ۱۶۰.